تبیین قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب مبتنی بر پیکره شناسی سوره صف

فرهاد احمدی آشتیانی[1]
مجید محمدلو[2]

چکیده

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی را تشکیل تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیان کرده‌اند و مولفه‌ها و مختصاتی را برای این مسیر تبیین نموده‌اند. ازجانب دیگر نگاه ساختاری بر پیکره سوره صف، و تبیین سیر تطور جامعه مؤمنین و ویژگی‌های آن، نشان می‌دهد که اراده الهی بر این تعلق دارد که خداوند مبتنی بر برنامه خود، جامعه مؤمنین را در سیر صعودی به مرتبه «انصارالله» ارتقا دهد که بارزترین ویژگی آن تائیدات الهی و در نتیجه تسلط آشکار بر جبهه دشمن است. تبیین و تحلیل مولفه‌های انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم، نشان می‌دهد که این مولفه‌ها با ویژگی‌های قرآنی جامعه انصارالله دارای ارتباط و نسبت می‌باشد و به تعبیری دوران انصار الله آینده و عنوان قرآنی تمدن نوین اسلامی می‌باشد. بنابراین از منظر قرآنی، بیانیه گام دوم باید به عنوان مطلعی برای ورود به دوران انصارالله، اعمال تائیدات الهی و تسلط آشکار بر دشمنان تلقی گردد.

کلیدواژه‌گان: بیانیه گام دوم، ساختار سوره صف، تمدن نوین اسلامی، دوران انصارالله.

---

۱. فارغ‌التحصیل علوم قرآن و حدیث و پژوهشگر دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی farhadahmadi@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری الهیات و پژوهشگر دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی m.mohammadlu73@gmail.com

مقدمه

در جهان‌بینی تمدن کنونی اندیشه دئیسم جمیع ساحت‌های بشر را فراگرفته است. خلاصه ره‌آورد این اندیشه چنین است که خداوند بعد از خلقت جهان، نقشی در هدایت و راهبری آن نداشته و جهان هستی با قوانین طبیعی که خداوند در نهاد آن قرار داده است به سیر خود ادامه می‌دهد. از نتایج این اندیشه محوریت و حاکمیت خرد انسان‌بنیان، نفی فاعلت خداوند در عالم و انکار نقش غیب و وحی الهی در هدایت جامعه بشری است (باربور، ۱۳۷۹: ۷۶)؛ بنابراین تغییر و تحول جوامع انسانی نیز مبتنی بر قوانینی گسسته از آفریدگار بوده و هرگونه تفسیر و تحلیل مبتنی بر ماوراء ماده بی‌مبنا و غیرعلمی تلقی می‌شود. نتیجه این امر، سلباً انکار نقش اراده خداوند در عالم هستی و ثبوتاً جانشینی معرفت بشری بجای تعالیم وحیانی ـ الهی و تقلیل منابع معرفت به تجربه خواهد بود.

در مقابل، تأمل در مفاهیم قرآنی نشان می‌دهد که اراده خداوند بی‌سامان نبوده و دارای نظام است. خداوند نه‌تنها خالق جهان است بلکه ربوبیت امور هستی را بعد از خلقت نیز بر عهده داشته و هیچ پدیده و امری از دایره تدبیر و هدایت وی خارج نیست. تحولات و وقایع عالم خود بنیاد نبوده و تحت فرمان او حدوث و زوال می‌یابند. «قالَ رَبُّنَا الَّذی أَعْطی کُلَّ شَیءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی» (طه، ۵۰) این مسئله مهم‌ترین وجه ممیزه معرفت بشری با تعالیم وحیانی است زیرا غالباً بیان و تحلیل علمی مسائل چیزی جز نفی معرفت وحیانی نبوده و اساساً اندیشه‌ورزی مبتنی بر وحی و قرآن جایی در تحلیل علمی مسائل ندارد.

مضامین آیات متعددی از قرآن بر این دلالت دارد که خداوند آفریدگار و پروردگار جهان بوده و برای اداره و پرورش آن در محدوده آسمان‌ها و زمین و إنس و جن موجود در آن برنامه‌هایی دارد) رعد: ۱۶ ـ حمد: ۲ ـ روم: ۸ ـ زمر: ۵ ـ مؤمنون: ۱۱۵ ـ انبیاء: ۱۶ ـ بقره: ۱۰۷، یس: ۸۳ ـ نجم: ۳۱ ـ هود: ۱۲۳ ـ انعام: ۵۹ ـ یونس: ۳۱ ـ سجده: ۵ ـ فصلت: ۹ ـ احقاف: ۳ ـ حدید: ۱۷ ـ زلزله: ۱ ـ فجر: ۲۱ ـ انشقاق: ۱ ـ انفطار: ۱ ـ تکویر: ۱۱ ـ النبإ: ۱۹ (که در آن جنبه‌های مهم و موردنیاز ساحت انسانی موردتوجه قرارگرفته است؛ بنابراین فهم و کشف برنامه الهی مهم‌ترین مؤلفه تربیت دینی و رشد الهی انسان‌ها است.

کلیات و جزئیات برنامه خداوند در مورد اداره جهان، در قالب ظاهر الفاظ قرآن بیان شده است؛ زیرا اگر پذیرفته شود که قرآن تبیین‌گر هر پدیده‌ای است، تبیین‌گر کلیات و جزئیات برنامه خدا نیز خواهد بود. «وَ نَزَّلْنَا عَلَيكَ الْكِتَابَ تِبْيِنًا لِّكُلِ شَىءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِين» (نحل: ۸۹). (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۸ (الف): ۱۱۳)

یکی از مفاهیم قرآنی تبیین‌کننده برنامه خدا مفهوم «آیه» است. تکرار فراوان این واژه، آن را به یکی از واژگان کلیدی قرآنی تبدیل کرده است و یکی از کاربردهای پرتکرار این واژه در قرآن اطلاق در مورد امور وپدیده‌های طبیعی است.) بقره: ۱۶۴ ـ جاثیه: ۳، ۱۳ ـ شوری: ۲۹ ـ روم: ۲۲، ۲۵ ـ عنکبوت: ۴۴ ـ آل عمران: ۱۹۰ ـ سباء: ۹، ۱۵، ۱۶ ـ یونس: ۶، ۲۴، ۱۰۱ ـ یوسف: ۱۰۵ ـ رعد: ۲، ۳، ۴ ـ انبیاء: ۳۲ ـ ذاریات: ۲۰ ـ طه: ۵۳، ۵۴ ـ یس: ۳۳ ـ حدید: ۱۷ ـ شعراء: ۷، ۸ ـ فصلت: ۳۹ ـ انعام: ۹۹ ـ اعراف: ۵۷، ۵۸، ۶۷ ـ نحل: ۱۰، ۱۱ ـ غافر: ۱۳.)

این کاربرد، معنای «آیه» را به مقوله‌ای تکرار شونده که حاکی از وقوع دوباره آن پدیده در آینده باشد، تبدیل می‌کند. مطابق این معنا هر آیه می‌تواند بارها و بارها در شرایط مناسب اِعمال گردد و هرکدام از مصادیق اِعمال یک آیه، نشانی از مصداق عالی‌تر در آینده است. مصادیق گذشتهٔ «آیات» در حقیقت نشانی از مصادیق آیندهٔ «آیات» است که به صورت تکامل‌یافته‌تر و در پهنهٔ وسیع‌تری واقع خواهند شد؛ بنابراین شرح ماجرای اقوام پیشین در قرآن و اطلاق آیه در مورد آن‌ها، صرفاً قصه‌گویی خداوند به جهت برداشت نکات حِکمی و اندرزهای اخلاقی نیست. بلکه بیان صحنه‌هایی است که ما در پیش رو داریم و خداوند ما را نیز درون آن صحنه‌ها وارد خواهد کرد (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۸ (ب): ۶۹، ۷۰).

قرآن کریم در مورد جملات و گزاره‌های خود نیز تعبیر آیه را بکار می‌برد.) بقره: ۲۵۲ ـ هود: ۱ ـ انفال: ۳ ـ احزاب: ۳۴ بنابراین آیات قرآن مقولاتی هستند که می‌توانند بارها محقق شوند و هر آیه می‌تواند در زمان‌های مختلف، در ظرف هر صحنه مناسب واقع شود و میلیون‌ها مصداق داشته باشد. به عنوان مثال خداوند در آیه نودوشش سوره اعراف می‌فرماید: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يكْسِبُون». این آیه که حاکی از یکی از قوانین عالم است، در هر زمان و مکان مناسب

که شرایط اِعمال آن وجود داشته باشد، واقع می‌شود. طبق این قانون الهی در هر زمان و مکانی اگر اهل یک شهر ایمان آورند و تقوا بورزند، خداوند درهای برکات را از آسمان و زمین بر ایشان باز می‌کند. با توجه به این موضوع، آیات قرآن همه‌زمانی و همه مکانی هستند. این آیات به‌مثابه قوانینی هستند که خداوند درصدد اعمال آن‌ها در عالم می‌باشد و اساساً خداوند مبتنی بر این آیات و قوانین، امر دنیا را به پیش برده و صحنه‌هایی را به وجود می‌آورد و از بین می‌برد و هر آنچه از گذشته و حال و آینده این دنیا محقق شده یا خواهد شد همگی تحت حاکمیت این قوانین بوده و با اِعمال این آیات رقم می‌خورد. شمول آیات و قوانین تا حدی است که هیچ امر و مسئله‌ای از دایره آن خارج نبوده و همگی تحت تدبیر، اراده و ربوبیت الهی قرار دارد. (نحل: ۸۹)

از طرف دیگر آیات قرآن در قالب هر سوره، یک متن واحد و منسجم را تشکیل داده و مبیّن موضوع واحدی هستند و همه آیات سوره، حول محور موضوع آن تبیین می‌گردند و این‌گونه نیست که سوره مجموعه‌ای از آیات پراکنده بی‌ربط به هم باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۱)؛ بنابراین در تفسیر و تحلیل سوره اولاً باید به دنبال کشف موضوع واحد سوره بود؛ ثانیاً با ملاحظه ساختار آیات، در جهت فهم ارتباط آن‌ها با هم و کشف برنامه خداوند گام برداشته و بستر اعمال آیات توسط خداوند را بازشناسیم؛ یعنی ببینیم که آیا می‌توان در عالم ماجراهای ناظر بر این کل منسجم (سوره) را پیدا کرد و در نتیجه رفتار و کنش خود را مطابق آن برنامه سامان داد؟

چنین دیدگاهی نسبت به آیات قرآن باعث می‌شود که آیات قرآن را گزارشی صرف از وقایعی در گذشته‌های دور یا آینده‌های دور ندانیم. بلکه مقولاتی بدانیم که خارج از محدودیت مکان و زمان، در هر زمان و مکانی از جمله در زمان حاضر و بر کشور ما توسط خداوند قابل اِعمال هستند؛ بنابراین چنین منظری به آیات قرآن پرسش‌های جدید و مهمی را نسبت به وضعیت کنونی کشور ما و انقلاب اسلامی به دنبال دارد؛ به‌طور نمونه در این زمانه خداوند چه آیه‌ای را بر فراز ما حاکم قرار داده است؟ حوادث عظیم پیش‌آمده در گذشته مانند وقوع انقلاب اسلامی ایران به دنبال اِعمال کدام یک از آیات خداوندی در دنیا

پیش آمد؟ در مقاطع پیش رو انقلاب اسلامی خداوند کدام آیات را اِعمال خواهد کرد؟

حال که در طلیعه گام دوم انقلاب هستیم و مصادف با آن رهبر انقلاب اسلامی بیانیه گام دوم را خطاب به ملت ایران صادر نمودند در این نوشتار بر آن هستیم با پیکره شناسی و تدبر در ساختار سوره «صف» و مبتنی بر منظر«نگاه آیاتی»، با روش توصیفی ـ تحلیلی بیانی قرآنی در باب انقلاب اسلامی و آینده آن ارائه بدهیم. ابتدا با بررسی ساختار سوره صف به تبیین وضعیت و ویژگی‌های قومی خواهیم پرداخت که خداوند ضمن تعبیر آن‌ها به انصارالله، ایشان را برای تشکیل و ورود به دوران انصارالله امر کرده است. در ادامه با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب مختصاتی از بیانات رهبر انقلاب اسلامی استخراج خواهد شد که این مختصات با ویژگی‌های مطرح در باب انصارالله ارتباط و نسبتی پیدا می‌کند و مُبیِن آرمان‌ها و ویژگی‌هایی برای انقلاب اسلامی است که خداوند متعال آن را برای جامعه مؤمنین انصارالله مطرح کرده است.

پیشینه تحقیق

بعد از صدور بیانیه گام دوم انقلاب مقالات و تالیفات متعددی در باب تحلیل مضمون بیانیه، الگوسازی در حکمرانی، آینده انقلاب اسلامی و سیر تمدن نوین اسلامی مبتنی بر بیانیه به رشته تحریر درآمده است. اما در این میان دیدگاه قرآنی به بیانیه و تبیین قرآنی آن بسیار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت چنین تبینی از این جهت است که اولاً مبانی و مولفه‌های قرآنی بیانیه روشن گردد ثانیاً تبیین گردد که اهداف مدنظر در بیانیه مطابق با کدامین اهداف قرآنی و خواست خداوندی در باب جامعه مؤمنین و خط سیر آن‌ها است.

موسی‌زاده در«اصول و مولفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» ضمن نقد الگوهای سیاسی حاکم بر غرب؛ به دنبال پاسخ این پرسش است که بیانیه گام دوم انقلاب، برای نظام سازی چه اصول و مؤلفه هایی را ارائه می دهد؟ وی «نظام‌سازی اسلامی» را دارای مؤلفه ها و اصول ارزشی برخاسته از دین می‌داند و چنین نظامی را مبتنی بر ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، استکبارستیزی، معنویت، عقلانیت و مردم سالاری معرفی

می‌کندکه بیانیه «گام دوم انقلاب»، به عنوان نقشه راه نظام‌سازی اسلامی، آسیب‌ها، راه کارها و اصول حاکم بر این ارزش‌ها را تبیین می‌کند.

با وجود اینکه در این مقاله بر نظام‌سازی و ساخت جامعه دینی مبتنی بر ارزش‌های دینی پرداخته شده است اما تبیین مستقیم و بلاواسطه از بنیادهای دینی و قرآنی جامعه مؤمنین به میان نیامده است.

غفاری هشجین و نیکو نهاد در «تحلیل آینده نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» با اتکا بر روش آینده نگارانه مارتالیزلی نشان می‌دهند که این بیانیه از ویژگی‌های یک سند راهبردی و گام‌های هفت‌گانه آن برخوردار بوده و دربردارنده چشم انداز روشنی از آینده انقلاب اسلامی است. آینده‌ای که در آن انقلاب اسلامی در هر دو ساحت مادی و معنوی دستاوردهای فزاینده‌ای داشته و در عوض دشمنان در مقابله با آن، ناکام می‌ماند.

این مقاله نیز بیشتر نگاه و تحلیل سیاسی نسبت به بیانیه گام دوم داشته و خالی از تبیین دینی و قرآنی در باب بیانیه و اهداف آن است.

«به سوی تمدن زمینه ساز طلوع خورشید ولایت عظمی»، «ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی» و «طراحی و تبیین الگوی نهاد تمدن‌ساز، مبتنی بر تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب» مقالات دیگری هستند که اگرچه از نگاه تمدنی نسبت به بیاینه گام دوم برخوردار بوده و آن را در راستای تشکیل تمدن نوین اسلامی تبیین می‌کنند اما خالی از دلالت‌های مستقیم قرآنی در باب مبانی، مولفه‌ها و اهداف بیانیه گام دوم می‌باشند.

۱. پیکره شناسی ساختار سوره صف

نخستین گام در مواجهه با سور قرآن، کشف موضوع محوری آن‌ها است. چرا که عمدتاً تمام موضوعات و مفاهیم مطرح‌شده در سوره با توجه به موضوع محوری سوره معنای دقیق خود را می‌یابند.

نگاه جامع به ساختار سوره صف و کشف ارتباطات بین آیات آن، برنامه خداوند در

هدایت و راهبری جبهه ایمان را آشکار ساخته و مراتب و مراحل سیر آن را بیان می‌کند. در آیه ابتدایی سوره، مسئله تسبیح همگانی خداوند توسط تمام موجودات آسمان‌ها و زمین بیان می‌شود: «سَبَّحَ لِلّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ.» در ترجمه آیه غالباً واژه «تسبیح» چنین معنا شده است که: «آنچه در آسمان‌ها و زمین هست خداوند را تسبیح (الهی قمشه‌ای، مکارم شیرازی، فولادوند)، ستایش (الهی قمشه‌ای، انصاریان)، به پاکی یاد (فیض‌الاسلام، گرمارودی) می‌کند.» در تفسیر آیه نیز مفسران مراد از «تسبیح موجودات هستی» را به معنای برئ بودن دامن کبریایی الهی از هرگونه نقص و عیب دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۰/۲۴)، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۴/۱۹). اشکالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر معنای تسبیح صرف تنزیه خداوند از نواقص و معایب باشد، در این صورت این معنی در مشرکان و منکران خداوند که جزئی از موجودات عالم هستی هستند چگونه محقق خواهد بود؟ (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۲۵۹/۴).

منشأ چنین دریافت معنایی، بیان عمده اهل لغت در باب معنای تسبیح است. چرا که اهل لغت نیز متناسب با مقام آیه، معنای تسبیح را همین دانسته (راغب، ۱۴۱۲ق: ۳۹۲/۱)، (خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰ق: ۱۵۱/۳)، (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۶۶/۲) و مبتنی بر برخی مصادیق و شواهد قرآنی معانی دیگری مانند ذکر و نماز (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹/۵)، تعجب و تمحید و ستایش (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۶۶/۲) برای این واژه ذکر کرده‌اند.

درحالی‌که توجه به معنای ماده تسبیح دلالت بر این دارد که معنای اصلی این واژه شناوری و حرکت در مسیر حق بدون کوچک‌ترین نقطه‌ضعف و انحراف است؛ بنابراین معنای آن دربردارنده دو جهت می‌باشد: جهت اول روبه حق بودن و رو به الله بودن کائنات؛ جهت دوم عدم انحراف و ضعف در مسیر حق (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۱/۵). تفاوت این بیان با دیدگاه مشهور در این است که دیدگاه مشهور تنها به قسم دوم و جهت تباعد توجه دارد اما مطابق این معنی مهم‌ترین مسئله در معنای تسبیح جهت‌گیری الهی عالم و شناوری کائنات به سمت الله است؛ بنابراین تسبیح خورشید و قمر در آیه «وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّیلَ وَ

النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ فِی فَلَكٍ یسْبَحُونَ» به معنای شناور بودن آن دو در مدار و مسیری حقی است که خداوند تعیین کرده است؛ بنابراین آیه چنین معنی می‌شود که تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است در مسیر حق و رو به الله در حرکت بوده و این حرکت مستمر و به دور از نقص است یعنی ما با جریان عظیم الهی به پهنای آسمان‌ها و زمین مواجه هستیم و همه موجودات هستی در این پهنهٔ بسیار عظیم شناور و در حال حرکت به سمتی هستند که خداوند برای آن‌ها تعیین کرده است. وسعت این پهنه همه آسمان‌ها و زمین را در برگرفته و تمامی کائنات را شامل می‌شود.

از طرف دیگر با توجه به فقره دوم آیه «وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ»، این حرکت با اسم العزیز و الحکیم مرتبط است.

در واژه عزت معنای تفوق و برتری نهفته است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۱۴/۸)، تحقق حکمت در خداوند نیز به معنای قطعیت و حتمی بودن در امر اوست (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۶۵/۲). حال سؤال این است که آیا می‌توان مسئله «حرکت تمام موجودات آسمان‌ها و زمین در مسیر خدایی» را به عنوان غرض اختصاصی از نزول سوره بیان کرد؟ با توجه به اینکه خداوند تنها در سورهٔ صف متذکر این موضوع نشده است؛ بلکه در سور مسبحات و چند سوره دیگر نیز به این موضوع پرداخته است؛ بنابراین این موضوع، موضوع اختصاصی سوره صف نیست بلکه موضوع اختصاصی در سورهٔ صف وجهی خاص از این جریان خدایی در پهنه آسمان‌ها و زمین است. توجه به آیات دو تا چهار سوره صف نشان می‌دهد که این آیات دارای موضوع واحدی هستند؛ اما در آیات بعدی موضوع آیات دوباره تغییر کرده و خداوند رفتارهای قوم بنی‌اسرائیل در قبال موسی علیه‌السلام و عیسی علیه‌السلام را بیان می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت که موضوع و غرض اصلی سوره، حرکت و سیر جامعه ایمانی در دل جریان عمومی حرکت عالم می‌باشد؛ بنابراین این‌گونه به نظر می‌رسد که خداوند به موازات جریان حرکت کلی عالم، جریانی اختصاصی در دل جریان کلی معرفی می‌کند و از وجود برنامه‌ای الهی در قبال این جریان إخبار می‌کند. مطابق این برنامه خداوند با اسم العزیز و الحکیم

خود در بین موجودات، آن‌هایی را که مستعد هستند عزت بخشیده و نسبت به سایرین تفوق و ارتقا می‌دهد.

جدول زیر ساختار معنایی آیات سوره صف را بیان می‌کند:

آیات	موضوع آیات
۱	موضوع محوری؛ حرکت تمام موجودات آسمان‌ها و زمین در مسیر خدایی
۲ـ۴	موضوع اختصاصی؛ سیر حرکت «الَّذینَ یقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ»
۱۴ـ۵	

۱ـ۱. دو گروه مؤمنان

آیات ابتدایی سوره صف به دو گروه از مؤمنان اشاره می‌کند؛ گروه اول مؤمنانی هستند که بر مدعیات خود پایبند نیستند. برخی تفاسیر مصداق این گروه از مؤمنان را چنین معرفی می‌کنند: «مخاطبة لأصحاب رسول‌الله ﷺ الذین وعدوه أن ینصروه و لا یخالفوا أمره و لا ینقضوا عهده فی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فعلم الله أنهم لا یفون بما یقولون فقال: لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللهِ و قد سماهم الله مؤمنین بإقرارهم و إن لم یصدقوا» [این آیات] خطاب به آن دسته از صحابه رسول‌الله ﷺ است که به حضرت وعده یاری و عدم مخالفت با اوامر ایشان و عدم نقض عهدشان در مورد ولایت أمیر المؤمنین علیه‌السلام را دادند و خداوند دانست که آن‌ها به آنچه می‌گویند وفا نمی‌کنند پس فرمود: [ای کسانی که ایمان

آورده‌اید] چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید؛ و خداوند به جهت اقرارشان آن‌ها را مؤمن نامید ولو در اقرار خود صادق نبودند (قمی، ۱۳۶۷: ۲/ ۳۶۵).

گروه دوم مؤمنانی هستند که به عنوان قوم محبوب خداوند با این جریان خدایی همراه می‌شوند و در صحنه عمل نیز نه تنها خلف وعده نمی‌کنند بلکه در صفوفی منظّم و ساختاری نفوذناپذیر در «سبیل خداوند» وارد میدان جنگ می‌شوند؛ «یقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوص». اهل‌بیت علیهم‌السلام در روایات متعددی، مراد از «سبیل» و «صراط» در قرآن را مسیر ولایت خود معرفی کرده‌اند؛) تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص۱۷، بصائرالدرجات، ۱۹۹) «الإمامُ الصّادقُ علیه‌السلام: نحنُ و اللهِ نحنُ سَبیلُ اللهِ الذی أمَرَ اللهُ بِاتِّباعِهِ و نحنُ و اللهِ الصِّراطُ المُستَقیمُ و نحنُ و اللهِ الذینَ أمَرَ اللهُ العِبادَ بطاعَتِهِم» امام صادق علیه‌السلام: به خدا قسم ما همان راه خداییم که خداوند به پیمودن آن فرمان داده است. به خدا ما همان راه راست هستیم، به خدا ما همان کسانی

هستیم که خداوند بندگان را به اطاعت از آنان فرمان داده است (تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۲/ ۶۶).

در احادیث ذیل این آیه نیز مراد از «سبیل الله» مسیر ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام معرفی شده است؛ «قَالَ السَّیدُ بْنُ طَاوُسٍ فِی کِتَابِ مِصْبَاحِ الزَّائِرِ، وَ مِمَّا رَوَینَاهُ وَ حَذَفْنَا إِسْنَادَهُ اخْتِصَاراً أَنَّ الْفَیاضَ بْنَ مُحَمَّدٍ الطُّوسِی حَدَّثَ بِطُوسَ سَنَةَ تِسْعٍ وَ خَمْسِینَ وَ مِائَتَینِ وَ قَدْ بَلَغَ التِّسْعِینَ أَنَّهُ شَهِدَ أَبَا الْحَسَنِ عَلِی بْنَ مُوسَی الرِّضَا ع فِی یوْمِ الْغَدِیرِ وَ بِحَضْرَتِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ خَاصَّتِهِ... فَکَانَ مِنْ قَوْلِهِ ع حَدَّثَنِی الْهَادِی أَبِی قَالَ حَدَّثَنِی جَدِّی الصَّادِقُ ع قَالَ حَدَّثَنِی الْبَاقِرُ قَالَ حَدَّثَنِی سَیدُ الْعَابِدِینَ ع قَالَ إِنَّ الْحُسَینَ قَالَ: «اتَّفَقَ فِی بَعْضِ سِنِینَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع الْجُمُعَةُ وَ الْغَدِیرُ فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ عَلَی خَمْسِ سَاعَاتٍ مِنْ نَهَارِ ذَلِكَ الْیوْمِ فَحَمِدَ اللهَ و... وَ اعْلَمُوا أَیهَا الْمُؤْمِنُونَ أَنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ ـ إِنَّ اللهَ یحِبُّ الَّذِینَ یقاتِلُونَ فِی سَبیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ. أَ تَدْرُونَ مَا سَبِیلُ اللهِ وَ مَنْ سَبِیلُهُ وَ مَنْ صِرَاطُ اللهِ وَ مَنْ طَرِیقُهُ أَنَا

صِرَاطُ اللهِ الَّذِی مَنْ لَمْ یسْلُکْهُ بِطَاعَةِ اللهِ فِیهِ هُوِی بِهِ إِلَی النَّارِ وَ أَنَا سَبِیلُهُ الَّذِی نَصَبَنِی لِلاتِّبَاعِ بَعْدَ نَبِیهِ ص» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۷/۹۴، ح۸)؛ بنابراین در این آیات ملاک گروه‌بندی و جبهه‌بندی مؤمنان ایمان و پایبندی آنان بر ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد و خداوند تنها مؤمنانی را که در مسیر ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام مجاهدت و استقامت می‌کنند را به عنوان قوم محبوب خود معرفی می‌کند.

۲.۱. تقابل تاریخی جبهه ایمان با جبهه باطل

آیات پنج تا هفت سوره صف، رفتار دو گروه از قوم بنی‌اسرائیل را در قبال دو رسول الهی بیان می‌کند؛ گروه اول که فاسقان یهود هستند، با آن‌که علم به رسالت موسی علیه‌السلام داشتند اما در عمل با لجاجت خود رسول خدا را آزار داده بودند تا جایی که خدای تعالی به کیفر این رفتارشان دل‌هایشان را منحرف ساخت. (صف، ۵) دریافت اول از این آیه، هشداری برای مؤمنین است که مبادا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را اذیت کنند و کارشان بدان جا انجامد که کار قوم موسی بدانجا کشید و دل‌هایشان منحرف گشت، همچنان که در جای دیگر به‌طور صریح روی سخن به امت اسلام نموده، می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ یؤْذُونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهِیناً» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۰/۱۹)

مطلب دیگری که از آیه برمی‌آید، هشدار نسبت به اصل وجود چنین جریان و گروهی در تقابل با جبهه مؤمنین واقعی و در رأس آن ولی جامعه است. گروهی در داخل و خارج از جامعه مؤمنینِ به رسول‌الله و ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند که با علم به برخی مسائل درصدد دشمنی با اهل ایمان هستند. توجه به آیات بعدی این مفهوم را پررنگ‌تر می‌کند زیرا آیه بعد ظالمان نصاری را معرفی می‌کند؛ این گروه با آن‌که بشارت‌های عیسی علیه‌السلام را درباره آمدن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله دریافتند، اما بعد از رسالت پیامبر اسلام و زمانی که با دلایل و معجزات روشن ایشان (مانند قرآن و اخبار موسی علیه‌السلام و عیسی علیه‌السلام) مواجه شدند، بینات وی را سحر خواندند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۴/۱۹)؛ بنابراین جامعه مؤمنین واقعی به رسول‌الله با گروهی از دشمن روبه‌رو هستند که دشمنی تاریخی با جریان حق داشته و در طول تاریخ مشغول نبرد با انبیاء

الهی و پیروان راستین آن‌ها بوده و پیامبر اسلام و پیروان ایشان نیز از گزند این دشمنی در امان نخواهند بود. خصوصاً اینکه آیه هشتم، مؤید قوی این برداشت بوده و خبر از وجود مستمر این جبهه و دشمنی مجدانه و سرسختانه آن‌ها با جبهه مؤمنین و «اراده جدی آنان برای از بین بردن نور الله» می‌دهد؛ «یرِیدُونَ لِیطْفُِواْ نُورَ اللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُون».

۱. ۳. برنامه خداوند برای جبهه ایمان

بعد از آن‌که فاسقان یهود و ظالمان نصاری اراده جدی بر دشمنی با مؤمنان واقعی می‌کنند، آیات بعد برنامه خداوند را برای حرکت جبهه مؤمنین تبیین می‌کند. غایت این برنامه در آیه نه سوره بیان شده است. بر اساس این آیه، ارسال رسل با دو مقوله «دین حق» و «الهدی» منجر به چیرگی تدریجی دین حق بر تمام ادیان و عالم‌گیر شدن آن می‌شود. در خلال ایصال به این غایت نیز جبهه مؤمنین (قوم محبوب خداوند) تطوراتی را طی خواهد کرد.

۱. ۴. سیر تطور جبهه مؤمنین

بر اساس نگاه ساختاری به پیکره آیات سوره صف مراحل شکل‌گیری و تطور تاریخی جامعه مؤمنین چنین خواهد بود:

۱. تمایز دو گروه مؤمنان در صدر اسلام و شکل‌گیری جبهه مؤمنان واقعی و پیروان مکتب ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ با اینکه علائم و نشانه‌های این تمایز در زمان حیات رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز پیدا بود اما بعد از رحلت ایشان به منصه ظهور می‌رسد (آیات ۲ و ۴).

۲. شروع تدریجی تام شدن نورالله در میان مؤمنین به ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ این مرحله آغاز گسترش «دین حق» و تفوق تدریجی آن بر تمام ادیان دیگر است (آیه ۸ و ۹)

۳. نجات مؤمنان از عذاب الیم؛ خداوند با پدید آوردن صحنه‌هایی برای این گروه از مؤمنان آن‌ها را برای نجات از عذاب تربیت وراهنمایی می‌کند. اگرچه بهای این صحنه جان و سرمایه مؤمنان خواهد بود اما خداوند خود تضمین‌گر ربح آن است. از طرف دیگر لازمه صدق جهاد برای این قوم برخورداری از زیرساخت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی است و الا توان جنگ و جهاد نخواهد بود و این نیز خود نیازمند تشکیل حکومت

و یکپارچه‌سازی جامعه است. در این صحنه‌ها است که مؤمنان ایمان قوی‌تری نسبت به خدا و رسول او بروز خواهند و در حقیقت پا در مرتبه والاتری از ایمان خواهند گذاشت.

۴. پاداش‌های الهی؛ در آیات ۱۲ و ۱۳ خداوند سه پاداش اخروی و سه پاداش دنیوی برای مؤمنین بیان می‌کند.

پاداش‌های اخروی در آیه دوازده سوره مطرح شده‌اند؛ - «یغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ»، - «وَ یدْخِلْکُمْ جَنّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ»، - «وَ مَساکِنَ طَیبَةً فی جَنّاتِ عَدْنٍ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظیم».

پاداش‌های دنیوی نیز در آیه سیزدهم بیان می‌شود «وَ أُخْری تُحِبُّونَها»: - «نَصْرٌ مِنَ اللهِ» - «وَ فَتْحٌ قَریبٌ» - «وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنین». حال سؤال این است که متلعق بشارت چیست و مؤمنان به چه چیزی بشارت داده می‌شوند؟ پاسخ به این سؤال مرحله پنجم و نهایی برنامه خداوند در قبال مؤمنین را آشکار می‌سازد.

۵. دوران انصار الله و تسلط بر دشمنان؛ برعکس آیات پیشین که مؤمنان «دعوت» به انجام رفتارهایی می‌شوند در آیه آخر برای اولین بار در سوره، مؤمنان «امر» به انصار الله شدن می‌شوند. این تغییر نشان‌دهنده ورود جامعه مؤمنین به مرحله جدید و متفاوتی از سیر حرکت خود است. در این مرحله خداوند از این مؤمنان می‌خواهد تا دقیقاً همان‌طور که عیسی ع از حواریون خود خواست تا او را در مسیر به سوی خداوند نصرت کنند، انصار الله شوند. در این دواران همان‌طور که خداوند حواریون و گروندگان به عیسی علیه‌السلام را مسلط بر دشمنان خود کرد، مؤمنین انصار الله را نیز تائید کرده و بر دشمنانشان چیره خواهد کرد. «در این قسمت از آیه اشاره است به اینکه امت پیامبر اسلام هم عین این سرنوشت را دارند، آن‌ها نیز مانند امت عیسی دو طائفه می‌شوند یکی مؤمن و دیگری کافر؛ و اگر مؤمنین، خدای تعالی را که در مقام نصرت خواهی از آنان برآمده اجابت کردند و پاس حرمت دستورات او را نگه داشتند، خدای تعالی هم ایشان را علیه دشمنانشان نصرت داده و همان‌طور که مؤمنین به عیسی بعد از روزگاری مذلت به آقایی رسیدند، ایشان را نیز بر دشمنان خود سروری می‌بخشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۶۱/۱۹). در این دوران غلبه نهایی و آشکار دین حق بر سایر ادیان و عالم شمولی آن محقق خواهد شد و خداوند با تحقق

حکومت جهانی انصار الله مقوله نور الله را تام خواهد ساخت. این همان صحنه بشارتی است که بر مؤمنان پایبند بر پیمان ولایت (شیعیان) داده شده است.

۲. بیانیه گام دوم انقلاب، ورود به دوران انصارالله‌ی

با گذشت نزدیک به نیم‌قرن از طلوع انقلاب اسلامی در ایران، اکنون بر همگان آشکار و مسلم است که این انقلاب یگانه نماد جریان دینی با محوریت ولایت اولیاء الهی و تفکر شیعی در عصر مادی حاضر است. انقلاب اسلامی در حالی قدم در دهه پنجم حیات خود نهاده است که همواره آماج شدیدترین دشمنی‌ها در سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی بوده است و به فرموده مقام معظم رهبری در بین نظام‌های انقلابی و نظام‌های تشکیل شده در یکی دو قرن اخیر، هیچ نظامی را سراغ نداریم که به اندازه جمهوری اسلامی درباره آن، پیش‌بینی زوال و نابودی و فروپاشی شده باشد.[۱] در چنین برهه‌ای رهبر انقلاب با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» ضمن تبیین دستاوردهای شگرف انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته، توصیه‌هایی کلیدی در جهت «جهاد عظیم در راستای تشکیل تمدن نوین اسلامی» بیان کردند. هسته مرکزی و محور اصلی مفاهیم مندرج در متن بیانیه، جهت‌گیری و حرکت جهادی انقلاب اسلامی در راستای تقابل با تمدن و تفکر مادی غربی و تشکیل تمدن نوین اسلامی مبتنی بر ایمان، اعتقادات و اخلاق الهی و وحیانی است. دامنه حرکت انقلاب اسلامی محدود به داخل کشور نبوده بلکه اثرگذاری آن در مقیاس جهانی است.

۲. ۱. ابتناء مبانی انقلاب اسلامی بر ایمان اسلامی و شیعی

همان‌طور که گذشت اولین و مهم‌ترین شاخصه جبهه مؤمنین در مسیر رسیدن به انصار الله، ایمان و اعتقاد آنان بر ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام است. انقلاب اسلامی نیز به رهبری آسمانی و تأییدشده امام خمینی رحمه‌الله و با الهام از منابع دینی و وحیانی ائمه معصومین علیهم‌السلام مبانی و

۱. https: //farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991. ۱۴۰۰/۰۳/۱۴ به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله.

ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی خود را مبتنی بر آن سامان داده است. این مسئله در جای‌جای بیانات رهبر انقلاب در تحلیل انقلاب اسلامی مبتنی بر ارکان الهی و دینی ملاحظه می‌شود. از منظر ایشان انقلاب اسلامی از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده و ارزش‌های آن با ایمان دینی مردم آمیخته شده است. این معنویّت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکتها و فعّالیّت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه بوده است. به‌طور نمونه ایمان اسلامی در عرصه کلان تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» را شکل داده در عرصه مدیریت، الهام‌بخش مدیریّت‌های جهادی بوده است (بیانیه گام دوم انقلاب). ایشان سرمایه انسانی مستعد و کارآمد را به شرط برخورداری از زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور دانسته و نقطه قوت انقلاب اسلامی را حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه در آن بیان کرده است. هم‌چنین پیروزی و کامیابی در ادامه این مبارزه را نیز، نیازمند انسان‌هایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطّبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی می‌دانند. چنین رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی بود که دل‌های مستعد و نورانی، به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد. این مبانی الهی و دینی خط‌مشی‌ها، اصول کلی و اهداف (زمینه‌سازی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)) جمهوری اسلامی را تعیین کرده و بر همین اساس انقلاب اسلامی به اصول خود شدیداً پایبند بوده و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان حساسیت نشان داده و از ارزش‌های انقلابی و ملّی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نمی‌کند و اساساً رمز موفقیت انقلاب اسلامی در برابر هجمه دشمنان همین می‌باشد: «اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملّت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشّأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد.»[۱]

۱ - بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، (https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

۲.۲. اقدامات دشمنان انقلاب اسلامی

تجربه چهار دهه انقلاب اسلامی نشان‌دهنده شدت دشمنی‌ها و هجمه‌های گوناگون نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه جمهوری اسلامی می‌باشد. از همان نقطه آغاز انقلاب اسلامی، در داخل و خارج از کشور ـدوران پهلوی تا حال حاضر ـ اقدامات گسترده‌ای برای خفه کردن آن صورت گرفت. «در طول این چهل سال -و اکنون مانند همیشه ـ سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعّال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس سازی مردم و حتّی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملّت ایران است... دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتّی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند.»[۱] منشأ اصلی دشمنی‌ها پایبندی انقلاب اسلامی به مبانی دینی و اسلامی خود در اقامه کلمه توحید، تقابل با استکبار جهانی و پی‌ریزی حیات دنیایی مبتنی بر اندیشه دینی و خداباوری است. همان‌طور که در ماجرای قوم بنی‌اسرائیل گذشت، در طول تاریخ جبهه ایمان به سرپرستی انبیاء، به جهت ایمان و پایداری در مسیر حق، همواره مورد هجمه دشمنان الهی قرارگرفته است و هدف دشمنان خداوند خاموش کردن نورالله و هر اثری از آن بر روی زمین است. این امر تنها اختصاص به یک دوره تاریخی نداشته و تقریباً در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته و دارد. هر شعار و آرمانی که رنگ و بوی دین و توحید داشته باشد، از جانب این گروه محکوم به دشمنی بوده و تلاش آنان معطوف به زدودن آن از حیات انسان‌ها است؛ بنابراین در دید کلان و تاریخی چنین هجومی و با این گستردگی بر مدار کلمه الحق بوده و مبارزه تاریخی دو جبهه در بقا یا نابودی آن از عرصه حیات مادی است.[۲]

---

۱ - بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، (https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

۲ بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، (https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

۲ . ۳ . گستره عمل جهانی انقلاب اسلامی

وجه دیگر شدت دشمنی‌ها با انقلاب اسلامی‌ها دامنه عمل جهانی و محدوده شعارهای آن است؛ زیرا «شعارهای جهانی این انقلاب دینی» و «دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای آن در کنار مظلومان جهان» آن را در کانون توجه جهانیان قرار داده و بعد از فروپاشی شوروی، دوگانه جدید «اسلام و استکبار» را به وجود آورد. «مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ [لذا] دشمنی‌ها با همه شدّت آغاز شد... [و انقلاب اسلامی] نماد پُر ابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار شد.» تا جایی که اقتدار انقلاب اسلامی منجر به تغییر موازنه در چالش‌های خود و دشمنان شده و شکست مستکبران را رقم زد. چنین جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی تأثیر اساسی در منطقه گذاشته و منطق قوی انقلاب اسلامی را در مسائل جهانی آشکار ساخت. «صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است»[۱]

۲ . ۴ . انقلاب اسلامی صحنه تحقق دوران انصار اللهی

خداوند بر مؤمنینی که بر پیمان خود پایبند بوده و در صحنه نبرد در راه خداوند با جان و مال خود جهاد کرده‌اند، بشارت دوران انصار الله را داده است و به مؤمنان امر کرده است که در این دوران جزء انصار الله باشند. مهم‌ترین ویژگی این دوران مشخص شدن جبهه ایمان از کفر و در مرتبه بعد غلبه و تسلط آشکار مؤمنان بر دشمنان به وسیله تائید مستقیم

---

۱ - بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، (https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

الهی است؛ به‌طوری‌که این غلبه امری محسوس، عیان و گسترده خواهد بود (صف، ۱۴). روند چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ویژگی‌ها، مبانی و ارزش‌های آن، سطح دشمنی دشمنان انقلاب، گستردگی آرمان‌ها و دامنه عمل آن، پیامدهای منطقه‌ای و جهانی اقدامات آن، دستاوردهای مادی و معنوی آن و سرمایه انسانی با بینش دینی و شیعی آن، نشان از ورود انقلاب اسلامی به دوّمین مرحله از خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی دارد و دهه‌های آینده، دهه‌های نسلی است که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند و آن را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدّن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور است، برساند. این مقطع به دورانی ختم خواهد شد که قوم انصار الله با اقامه دین حق و با تائید الهی دشمنان خداوند را مغلوب ساخته و در جهان گسترده خواهند شد. شاید روند فعلی باور به این عقیده را دشوار کند اما دشواری باور به این عقیده به اندازه دشواری باور به ایجاد «یک نهضت بزرگ دینی» در دورانی بود که جهان میان دو قطب شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان چنین چیزی را نمی‌بُرد؛ حال آنکه با تشکیل انقلاب اسلامی عصر جدیدی در تاریخ رقم خورد. در این راستا رهبر انقلاب در نخستین توصیه خود به جوانان عنصر حیاتی «امید واقع‌بینانه به آینده» را متذکر می‌شوند: «نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسیِ همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه میگویم یک امید صادق و متّکی به واقعیت‌های عینی است.» و مؤید این امیدواری را دستاوردهای همه‌جانبه انقلاب اسلامی در طول این چهل سال بیان می‌کنند. همه این‌ها در وضعیتی به دست آمد که کشور با شدیدترین دشمنی‌ها، جنگ‌افروزی‌ها و تحریم‌ها از جانب قوی‌ترین دشمنان مواجه بود.[۱]

۱ بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، (https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

نتیجه‌گیری

علی‌رغم غلبه تفکر مادی در جهان و تقلیل شناخت به حوزه معرفت حسی، خداوند به عنوان رب عالم در روند تحولات آن حیّ و حاضر بوده و به دست تقدیر خود آن‌ها را رقم می‌زندونیز خداوند متعال با نزول قرآن کریم، برنامه خود در قبال نحوه اداره جهان را تبیین کرده است و چیزی خارج از حیطه این برنامه، از فعالیت استقلالی برخوردار نیست از دیدگاه قرآن تمام هستی رو به خداوند داشته و به سوی او حرکت می‌کند نگاه ساختاری به آیات سوره صف، علاوه بر دلالت بر وجود حرکت همگانی در هستی، برنامه خداوند در حرکت دادن قومی خاص را تبیین می‌کند. این قوم ابتدا با پایبندی بر مقوله‌ای الهی (ولایت) از قوم عهدشکن جدا شده سپس در ادامه، مسیر تطور خود را در چند مرحله طی خواهد کرد دشمنان الهی در یک جریان تاریخی در طول تاریخ به تعقیب، آزار و اذیت مؤمنین و اولیاء آن‌ها پرداخته و درصدد اطفاء نورالله در گستره زمین هستند.

خداوند با ایجاد صحنه‌هایی مؤمنان را دعوت به قرارگیری در مسیر رشد می‌کند و پاداش اخروی و دنیوی متناسب را به آنان اعطا می‌کندبرعکس صحنه‌های قبلی، در صحنه‌ای خداوند مؤمنان را امر به ورود در صحنهی جدیدی می‌کند. این صحنه، صحنه انصارالله است که در آن تمایز کفر و ایمان، آمدن تائید الهی و در نهایت غلبه آشکار جبهه ایمان بر دشمنان خود رقم خواهد خورد بیانیه گام دوم انقلاب مطلعی برای ورود جامعه شیعی ایرانی به دوران انصاراللهی است. از دیدگاه رهبر انقلاب، وجود ویژگی‌هایی مانند ابتناء مبانی انقلاب اسلامی بر ایمان اسلامی و شیعی، گستره عمل جهانی انقلاب و سطح و نوع هجمه دشمنان علیه آن نشانگر پدید آمدن عصری جدید در مناسبات جهانی، تغییر معنادار چالش‌ها و در نهایت تفوق و استیلاء مکتب و گفتمان جمهوری اسلامی بر نظام سلطه جهانی است. علاوه براینکه، این امر مبتنی بر واقعیت‌های موجود می‌باشد، از نوعی دیدگاه الهی به تاریخ و جریان تاریخی ایمان و کفر برخوردار است و با تائید خداوندی دورانی فراخواهد رسید که جبهه مؤمنان به طور آشکار مسلط بر جبهه دشمنان الهی خواهد شد. تحقق این دوران مطالبه خداوند از مؤمنان است و به دلالت ظاهر آیات قرآن مؤمنین مامور به پیوستن به جبهه انصارالله شده‌اند.

منابع

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۱. احمدیان، ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸ش (الف)، درآمدی بر آینده اندیشی قرآنی، تهران، چ اول، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

۲. احمدیان، ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸ش (ب)، حکمرانی و آینده‌نگری مؤمنانه از منظر سوره مجادله، تهران، چ اول، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

۳. باربور، ایان، ۱۳۷۹ش، علم و دین، ترجمه ب. خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، ج۱، چ اول، دار القلم.

۵. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰ش، تفسیر سور آبادی، تهران، ج۴، چ اول، فرهنگ نشر نو.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، ج۱ و۱۹، چ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۷. طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران، ج۲، چ سوم، کتابفروشی مرتضوی.

۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، ج۳، چ دوم، نشر هجرت.

۹. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، تفسیر قمی، قم، ج۲، چ چهارم، دار الکتاب.

۱۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، ج۹۴، چ دوم، دار إحیاء التراث العربی.

۱۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ج۲ و۵و۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، ج۲۴، چ اول، دارالکتب الاسلامیه.

منابع اینترنتی

۱۳. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، https: //farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673، ۱۳۹۷ش.

۱۴. خامنه‌ای، سید علی، سخنرانی تلویزیونی مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۴ به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، https: //farsi.khamenei.ir/news-content?id=47977، ۱۴۰۰ش.

فصل دوم

تفسیر موضوعی